

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ





لغات زبان انگلیسی رمز گذاری شده

(قسمت دو)

مقدمه

حفظ کردن لغات زبان های خارجی به کمک رمز گذاری و شعر، یک روش قدیمی و کارآمد ایرانی است که موجب می شود لغات را آسان تر حفظ کرد، آسان تر به خاطر آورد و برای مدت زمان طولانی تری در ذهن داشت.

کتاب بسیار جالب «خودآموز نصاب الصّبیان» سروده «ابونصر فراهی» که لغات عربی را با شعر آموزش داده است، سالها در مدارس سرزمین های اسلامی مورد استفاده قرار می گرفته است.

به نظر من اگر استادان و دانشجویان و دانش آموزان خلاق و توانمند ایرانی همت خود را به کار گیرند، از این روش می توان برای بسیاری از درس های دیگر نیز استفاده کرد و طعم شیرین علم را بیش از پیش چشید.

این جزو، دومین قسمت از لغات رمز گذاری شده انگلیسی است که امید است مورد توجه و استفاده قرار گیرد. در رمزهای این جزو، بعضی کلمات با **رنگ آبی** و بعضی دیگر با **رنگ قرمز** مشخص شده اند. کلمات آبی رنگ، در حقیقت «**معنی**» لغت انگلیسی هستند و کلمات قرمز رنگ، همان «**رمز**» برای حفظ کردن هستند.

رس پکم





conceal

واژه

کِن سی یل

تلفظ

پنهان ، پنهان کردن

معنی

تلفظ این کلمه شبیه به کلمه کنسل (به معنی لغو کردن) است؛ پس می توان رمز زیر را در نظر گرفت: «کارگاه گفت مامور شده است که یک عملیات پنهانی را انجام دهد، اما ناگهان به او خبر می دهد که عملیات،

کنسل شده است»

(کِن سی یل = کنسل)

رمز



crafty

واژه

کِرْخُتی

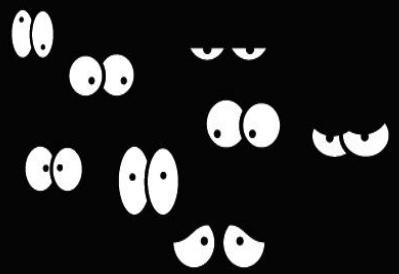
تلفظ

حیله‌گر ، با مهارت ، خریبنده

معنی

فرض کنید که یک آدمی حیله‌گر و با مهارت را می‌بینید و از او می‌پرسید: «چی شد که رختی؟»

رمز



dismal

واژه

دیس مل

تلفظ

دلگیر، تاریک، تیره و تار

معنی

اگر یک **ستمال** را روی صورت خود بیندازیم،
همه جا را تیره و تار خواهیم دید.
(دیس مل = **ستمال**)

رمز



frigid

واژه

خريبيه

تلفظ

هوای سرد، رختار سرد

معنی

اين کلمه شبيه «خريز» است و مي دانيم که کاريپهال خريز، سرگردن است.

(خريبيه = خريز)

رمز



inhabit

واژه

این هاپیت

تلفظ

ساکن شدن

معنی

این **هاپیت**، پندرین سال است که در این خانه **ساکن** است.

رمز



numb

واژه



نام

تلفظ

بی مس، کرخت، بی مس کردن

معنی

خرف کنید که شما معلم هستید و از بس که **نام** داشن آموزان را می خوانید و برای آنها حضور و غیاب می زنید، انگلشت **(ستان)**، **کرخت** و **بی مس** شده است.

رمز



peril

واژه

پریل

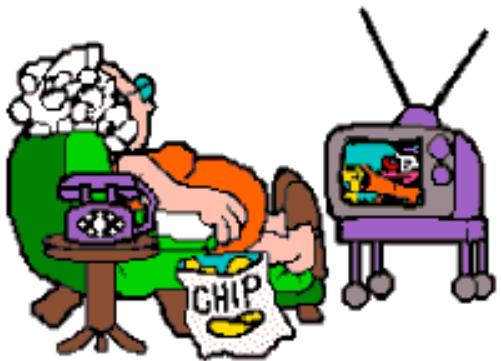
تلفظ

خطر، بیع، مسئولیت

معنی

ماه آپریل، ماه خطرناکی است؛ زیرا در این ماه، مسئولیت کارخانه به من سپرده می شود.

رمز



recline

واژه

ریک‌لاین

تلفظ

لم دادن، دراز کشیدن

معنی

در محتوی مولانا، داستانی هست که میگه: یک روز مرد فقیری سوار کشته شد؛ در بین راه، خسته شد و رخت به اون جایی که مسافرها وسایل و بارهاشون رو گذاشته بودند و **روی کلا**ها و وسایل مسافران، **لم داد** و **خوابید**؛ در همین موقع، یکی از مسافرها کیسه‌ی پولش گُم شد و... بقیه‌اش را در محتوی مولانا بفوانید!
(ریک‌لاین = **روی کلا**)

رمز



shriek

واژه

شِریک

تلفظ

بیغ زدن

معنی

شِرک یک دیو بود و هر کسی که او را می دید، از ترس بیغ می زد.

رمز



sinister

واژه

سی نیس تِر

تلفظ

شیطانی، پلید

معنی

فرض کنید که **شیطان**، یک **سینی ستاره** آورده است
و نقشه‌ای **پلید** در سر دارد...!
(سینیستِر = سینی + ستاره)

رمز

واژه

tempt

تلفظ

تمپت

معنی

غريب دادن ، اغوا کردن

رمز

غريب است و اغواست معناي تمپت



wager

واژه

وی پر

تلفظ

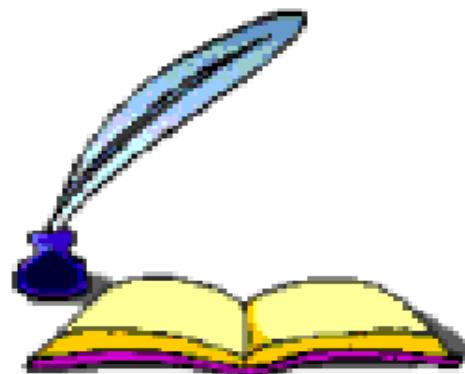
شرط بندی کننده

معنی

تلفظ این کلمه تقریباً شبیه به کلمه «ویلپر» است؛ بنابراین دو نفر را در نظر بگیرید که بر سر یک **ویلپر**، شرط‌بندی کرده‌اند.
(ویپر = ویلپر)

رمز

مروج ور





ambush

واژه

أَمْ بُوش

تلفظ

كمين ، دام ، تله ، كمينگاه ، كمين كردن ، مفخى شدن

معنى

پە بۇرۇز معنی لفظ «أَمْ بُوش»؟

ھىست معنېش «كمين» و «تلە موش»

رمز



captive

واژه

کَبْ تِيُو

تلفظ

(ستگیر، گرفتار، اسیر، شیفته

معنی

یک احسانه‌ی قدیمی هست که میگه: اگر یک دیو، کسی را اسیر و زندانی کند، باید یک قهرمان احسانه‌ای برود و کبد دیو را با شمشیر چادویی خود بشکافر، تا طاسم شکسته شود.
کبد دیو = کَبْ تِيُو

رمز



camel driver

واژه

کَمِلْ دَرَايُور !!!

تلفظ

شتربان ، ساربان

معنی

يعنى، اندئه شتر!

رمز



defiant

واژه

دی خاپنٽ

تلفظ

مبارز، مخالف، بی اعتنا، بدگمان، جسور

معنی

نامش همه جا انار گویند

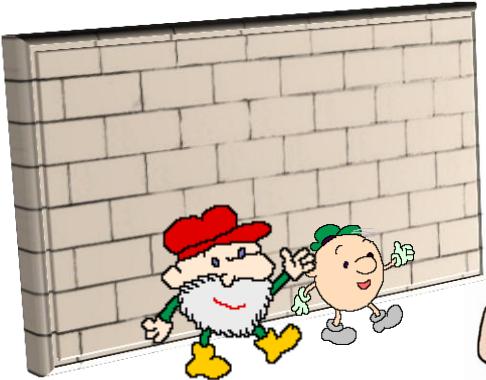
این میوه که خرمز است، ای دوست

یک واژه‌ی تازه را بیاموز

«دی خاپنٽ» مبارز است، ای دوست

بیت اول هیچ ربطی به ماجرای نداشت! فقط برای درستی قالب و وزن شعر، سروده شده است

رمنز



devour

واژه

دیور

تلفظ

بلعیدن ، خرو بردن

معنی

خرف کنید که شخصی در کنار یک دیوار ایستاده است
و مشغول بلعیدن و خوردن غذا است!
(دیور = دیوار)

رمز



emerge

واژه

امرج

تلفظ

پدیدار شدن ، بیرون آمدن

معنی

هر وقت که معلم از کلاس بیرون می رود، هرج و
مرج در کلاس پدیدار می شود.
(امرج = هرج و مرج)

رمز



fragile

واژه

خرابیل

تلفظ

شکننده و ظریف

معنی

ظرفِ آجیل، شکننده و ظریف است.

رمز



jagged

واژه

جگر

تلفظ

ندانه دار، تیز

معنی

کفش های کارگاه **گjet**، تیز و ندانه دار است.
(جگر = **گjet**)

رمز

linger



واژه

لینگِر

تلفظ

منتظر ماندن ، درنگ کردن ، دیر رفتن

معنی

فرض کنید یک عده مهمان به منزل شما می آیند و گنگ
می فورند و لنگ می اندازند و یک ماه تمام در خانه شما
می مانند و برای رفتن، درنگ می کنند!!!
(لينگِر = لنگ)

رمز

perish

واژه



پریش

تلفظ

مُردن ، هلاک شدن ، نابود کردن

معنی

کسی که در حال مُردن و هلاک شدن است، مطمئناً

اوضاعش خیلی پریشان است.

(پریش = پریشان)

رمز



prosper

واژه

پرُوس پِر

تلفظ

موفق شدن ، پیش رفت کردن

معنی

برو سفر تا موفق شوی و پیش رفت کنی!

(پرُوس پِر = برو سفر)

رمز



vigor

واژه

ویگور

تلفظ

نیرومندی ، زور ، انرژی

معنی

در کارتون تارزان، گوریل نیرومند و پُر زوری بود که

نامش «زوگور» بود!

(ویگور = زوگور)

رمز

م&ش





annual

واژه

انی یو ال

تلفظ

سالیانه، یکساله

معنی

دوش، از بادِ صبا پرسیدم
نگهی کرد و به من با خنده گفت: «انی یوال» په بُود معنایش

رمز



blend

واژه

بِ لَنْد

تلفظ

مخلوط کردن ، آمیختن

معنی

فرض کنید که در جای **بلندی** ایستاده اید و
در حال **مخلوط کردن** چیزی هستید.
(**بِ لَنْد** = **بلند**)

رمز



devise

واژه

دی وايس

تلفظ

تدبیر کردن ، افتراض کردن

معنی

این کلمه، شبیه به کلمه **device** (به معنی **ستگاه**) است؛
فرض کنید که یک مفترع، در حال افتراض یک **ستگاه** است.

رمز



essential

واژه

اِسْنِشِيل

تلفظ

ضروری، واجب، لازم

معنی

مرا پندی بدراد اُستادِ دان
فراموشم نشد هرگز همانا
که شرطِ دانش‌اندوزی، صبوری است
اِسْنِشِيل نیز، معنایش ضروری است

رمز

expensive

واژه

اس پن سیو

تلفظ

گران، پر خرچ

معنی

اس+پن+سیو = پرتو_X+خودکار+سیب

قیمت پرتو_X و خودکار و سیب، بسیار گران است!

رمز

majority

واژه

ماژوریتی

تلفظ

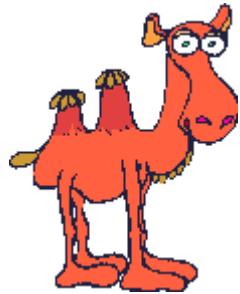
اکثریت ، پیشینہ

معنی

این چهار کلمہ را حفظ کنید:

ماکزیمم = پیشترین ، مینیمم = کمترین

ماژوریتی = پیشترین ، مینوریتی = کمترین



minimum

واژه

مینیمم

تلفظ

کمینه، کمترین مقدار

معنی

باز هم می گوییم، این چهار کلمه را حفظ کنید:

ماکزیمم = پیشترین ، مینیمم = کمترین

ماژوریتی = پیشترین ، مینوریتی = کمترین

رمز



persuade

واژه

پر سُوید

تلفظ

قانع کردن ، وادار کردن

معنی

شما نمی توانید، یک شخص تمهیل کرده و پُرسواد را به راهتی،
قانع و متقادع کنید!

(پر سُوید = پُرسواد)

رمز

scarce

واژه



اسکریس

تلفظ

کمیاب ، نادر ، قلیل ، به ندرت

معنی

کرم های آسکاریس، موجوداتی کمیاب و نادر هستند...!
(اسکریس = آسکاریس)

رمز



talent

واژه

تی لنت

تلفظ

استعداد خردادی

معنی

این یک استعداد خردادی است که بعضی ها در موسیقی و خوانندگی هنرمند **طلایی** دارند.
(**تیلنت = طلایی**)

رمز



visible

واژه

وی زی بِل

تلفظ

قابل مشاهده، مرئی، آشکار

معنی

وقتی شما پول **ویزیت** را پرداخت می کنید، می توانید پزشک را به طور **واضخ و آشکار**، بینید. (اما اگر پول نداشته باشد، پزشک، نامرئی می شود و دیگر نمی توانید او را بینید!!!)
(وی زی بِل = **ویزیت**)

رمز

wholesale

واژه



هُل سِيل

تلفظ

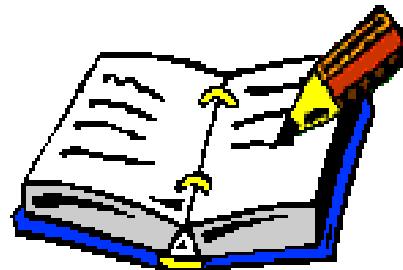
عمده فروشی، به طور يكجا

معنی

فرض کنید شخصی مشغول فروختن هلو است که ناگهان سیل می آید و همه هلوهایش را از بین می برد.
(هُل سِيل = هلو + سِيل)

رمز

درس چهارم





appoint

واژه

اپوینت

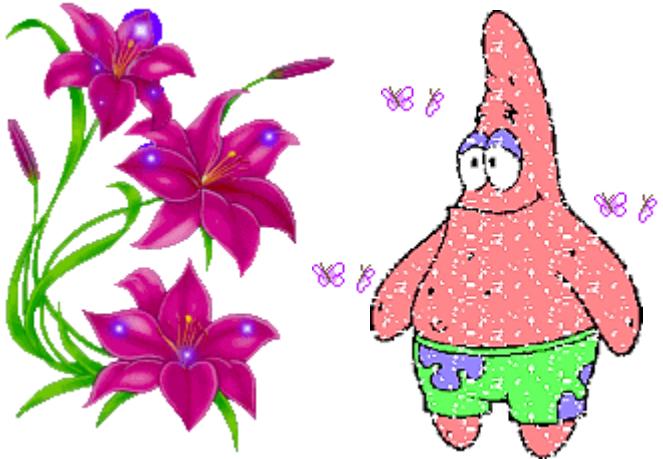
تلفظ

مأمور کردن، گماشتن، نصب کردن

معنی

معنای اپوینت، نصب کردن باشد

رمز



attract

واژه

اترکت

تلفظ

جلب کردن ، جذب کردن ، مجنوب ساختن

معنی

وقتی کسی به لباسش **عطر** می زند، همه را **مجذوب** خودش می کند. (نظر همه را به خودش **جلب** می کند)
(اترکت = **عطر**)

رمز



depict

واژه

دِ پیکت

تلفظ

نشان دادن ، نمایان ساختن ، شرح ، مجيئم کردن

معنی

پستچی، **دو پاکت** به من نشان داد و محتويات نامه ها را
برایم شرح داد.
(دِ پیکت = دو پاکت)

رمز



morality

واژه

مُرالیتی

تلفظ

اخلاقیات، سیرت، اخلاق، پرهیزگاری

معنی

افراد خوش **اخلاق**، حقوق دیگران را **مداعات** می‌کنند.
(**مُرالیتی**=**مداعات**)

رمز



mortal

واژه

مُرْتَال

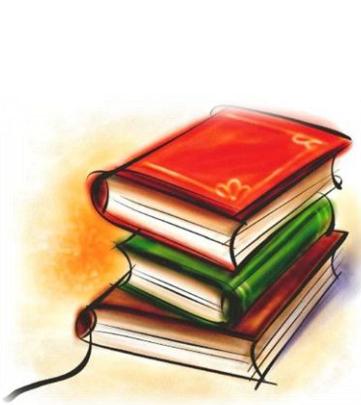
تلفظ

خانی ، مرگبار ، مُهِلک ، کُشنده

معنی

اھتمالاً خودتون معنی این لغت رو هی دونید...

رمز



novel

واژه

نوِل

تلفظ

نو، جدید، رُمان، داستان بلند

معنی

فرض کنید که **رُمان** جدیدی درباره زندگی آلفرد

نوبل (مفترع (ینامیت) نوشته شده است.

(نوِل = نوبل)

رمز



occupant

واژه

اکی پنت

تلفظ

سکن ، مستاجر ، اشغال کننده

معنی

این کلمه من را به یاد «ایکیوسان» می اندازد؛ خرض کنید
ایکیوسان خانه‌ای را اجاره کرده و در آنها **مستاجر** شده است!!
(اکی پنت = ایکی یوسان)

رمز



quarter

واژه

کوارتر

تلفظ

یک چهارم، رُبع، سه ماه، به چهار، قسمت تقسیم کردن

معنی

همان ربع (۱۵ دقیقه) است که در دوران راهنمایی موقعی که خواندن ساعت به انگلیسی را درس می دادند، یاد نرفتیم...

رمز



quote

واژه

کوت

تلفظ

نشانه نقل قول (:)، نقل قول کردن

معنی

فرض کنید یک نفر که **کُت** و شلوار گران قیمتی پوشیده است، مشغول نقل قول کردن سخنان دیگران است.

رمز



roam

واژه

رُو

تلفظ

پرسه زدن، گردیدن، تکاپو

معنی

خرفون کنید به کشور رُو باستان سفر کرده اید و در آنجا می گردید و در خیابان هایش پرسه می زنید.

رمز



site

واژه

سایت

تلفظ

مکان ، جا ، موضع ، موقعیت ، قرار داشتن

معنی

این لغت واقعاً نیاز به رمز دارد...؟!!
اگر نیاز دارد، خودتون چه متش رو بکشید...!!!

رمز



verse

واژه

ورس

تلفظ

شعر گفتن ، به نظم در آوردن

معنی

شاه شمشاد قدان، فسر و شیرین دهنان
دوش بگذشت و به من گفت که این نکته بدان
معنی «**ورس**»، بود «**شعر سرودن**» ای دوست
که ازین شعر، شود ساره لغت های زبان

رمز

درس پنجم





circulate

واژه

سِرکیو لیت

تلفظ

دایر کردن ، انتشار دادن ، پھرخیدن

معنی

چند روز پیش در شهر ما یک سیرک دایر کردند و تایک
هفتاهم نمایش دارند...
(سِرکیولیت = سیرک)

رمز



dense

واژه

دنس

تلفظ

چگال، غلیظ

معنی

کسانی که فیزیک و شیمی خوانده اند، می دانند که این کلمه، متداول‌تر از کلمه «**دانسیته**» (به معنی **چگالی و جرم بیشتر**) است.

رمنز



descend

واژه

دی سند

تلفظ

پایین آمدن، خروج آمدن

معنی

فرض کنید شما در یک فروشگاه، از خروشندہ می خواهید که تخفیف بدهد و او نیز قیمت کالا را **دو سنت**، **پایین** می آورد. (سنت واحد پول برفی کشو،ها است.)
(دیسند = دو سنت)

رمز

eliminate

واژه

الی هی نیت

تلفظ

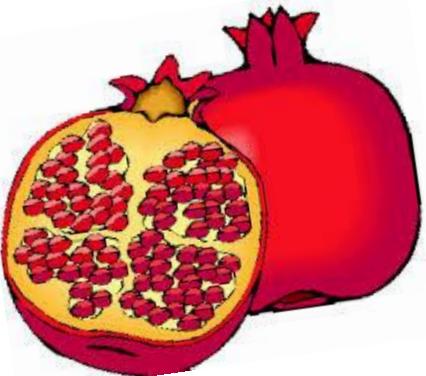
پاک کردن ، رفع کردن ، زدودن

معنی

علی و مینا، لکه های روی پنجره را پاک کردند.

(الیمینیت = علی + مینا)

رمز



enormous

واژه

انورموس

تلفظ

بزرگ، هنگفت

معنی

یک انار خیلی بزرگ، چلوی لانه یک موش است و موش آن را می فورد.
(انورموس = انار + موش)

رمز



humid

واژه

ھی یو مید

تلفظ

مرطوب ، نمناک ، تر

معنی

به گاهِ غزلخوانی بُلْبُلان
نمود ۳ سؤال از نسیم سِنَر
ھیومید را پیست معنی؟ بگفت
که آن هست: «مرطوب» و «نمناک» و «تر»

رمز



predict

واژه

پرداخت

تلفظ

پیشگویی کردن

معنی

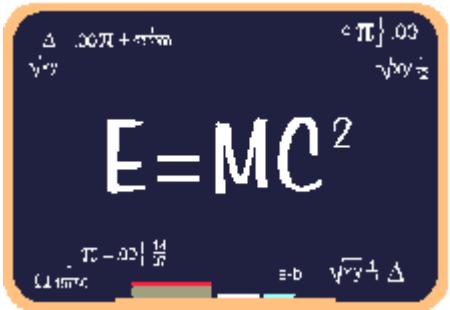
از نسیم سِمر پرسیدم

که بگو چیست معنی پرداخت؟

داد پاسخ به من که ای استاد!

پیشگویی ست معنی پرداخت

رمز



theory

واژه

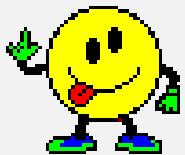
شیری

تلفظ

تئوری ، نظریه ، فرضیه ، نگرش

معنی

این لغت رو هم مطمئناً خودتون بله هستید...!
نیاز به رمز نداره که...؟!!!



رمز



utilize

واژه

یو تِ لایز

تلفظ

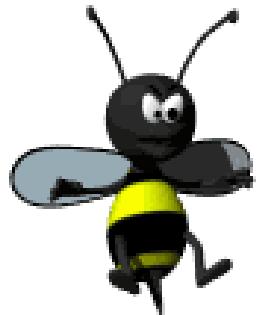
بهره بردن ، استفاده کردن

معنی

تو (یو) از طلا استفاده می کنی؟

(یو تلایز = یو + طلا)

رمز



vanish

واژه

ونیش

تلفظ

ناپدید شدن ، محو شدن ، غیب شدن

معنی

فرض کنید زنوری، شخصی را **نیش** بزند و فوراً **ناپدید** شود.

رمز



vapor

واژه

وَپُور

تلفظ

بخار، تبخیر کردن (شدن)، پاکان کردن

معنی

پندی بِشِنو تو از منِ پیر وَپُور، بُود «بخار» و «تبخیر»

رمز



villain

واژه

ویلن

تلفظ

آدم پست و شرور و تبهکار

معنی

ویلن را تو پست و تبهکار دان شرارت گر و مردم آزار دان

رمز

رس شش





assemble

واژه

اسِمِبل

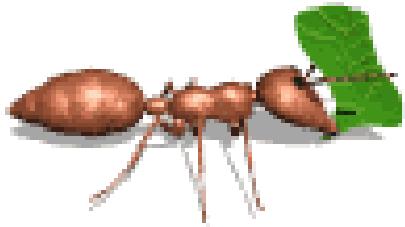
تلفظ

مونتاژ کردن ، مجتمع کردن

معنی

برتری، از علم، حاصل می شود **معنی مونتاژ، اسِمِبل** می شود

رمز



burden

واژه

بُردن

تلفظ

بار، مسئولیت، بارگردان

معنی

بار **بُردن** سفت است؛ حتی آگه بگی باشد در
دھان موری... (په جمله حکیمانه ای!!!...)
(بُردن = بُردن)

رمز



campus

واژه

کامپس

تلفظ

خفای دانشگاه، محوطه کالج

معنی

هر دیدم حکیمی پُر خرد
گفتم او را که به من پندی بده
گفت: از من بشنو این رمز ای جوان
معنی کامپس بود دانشگاه

رمز



debate

واژه

(دی پیت

تلفظ

بَهْث ، مِبَاهْثَه ، مِنَاظِرَه ، مِذَاكِرَه ، بَهْثُ كَرْدَن

معنی

شاعران، گاهی و قتها، درباره **دو بیت** شعر، ساعتها
بَهْث و مِنَاقِشَه می کنند....!!!

(دی پیت = دو بیت)

رمز



evade

واژه

اویر

تلفظ

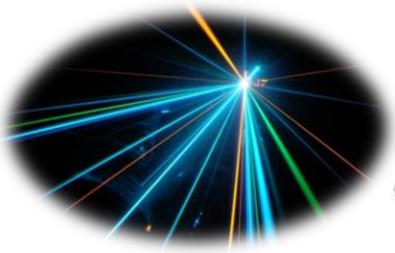
فرار کردن ، گریز ، طفره ، رفتن

معنی

پو داند کسی رمزنگاری لفظ **اویر**

گریزد؛ مومان به هنگام عید!!

رمز



explore

واژه

اِسپلور

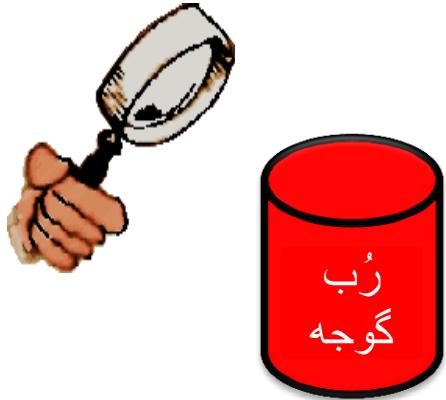
تلفظ

اَكتشاف کردن

معنی

شخصی می خواست روی یک ظرف بلو ری، اَكتشاف انبارم
دهد، با اشعه ایکس، بلو را ذوب کرده بود....!!!
(اِسپلور = ایکس + بلو)

رمز



probe

واژه

پرُوب

تلفظ

کاوش ، جستجو ، تحقیق ، تفحص کردن

معنی

فرض کنید که یک قوطی رُب گوجه فرنگی خریده اید و می خواهید روی آن تحقیق کنید.
(پرُوب = رُب)

رمز



reform

واژه

ری خرم

تلفظ

تجدد نظر

معنی

یعنی **خرم** و ترکیبِ چیزی را عوض کردن و در آن چیز (مثلاً نمره یا عقیده) **تجدد نظر** نمودن.
دیگه، هم لازم نداره که...!!!

رمز



rural

واژه

رُوِيل

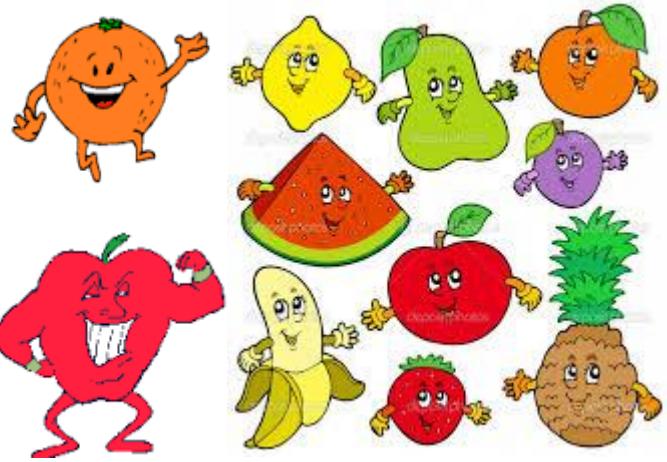
تلفظ

روستایی، اهل روستا

معنی

بهههای روستایی نباید روی ریل قطار، بازی کنند، زیرا این کار خطرناک است. (البته در روستاهایی که ریل راه آهن وجود دارد) (رویل = روی ریل)

رمز



typical

واژه

تی پی کال

تلفظ

نوعی ، نمونه

معنی

با کلماتی مثل: تیپ و نوع و ... همترا دف است!

رمز



topic

واژه

تاپیک

تلفظ

عنوان ، موضوع

معنی

کارها با شعر، آسان می شود
معنی تاپیک، عنوان می شود

رمز



tradition

واژه

ترادیشن

تلفظ

رسم، سنت، عرف، عادت، متدال و رایج

معنی

زمانی که ما به مدرسه می رختم، **تراشیدن** دو سر مراد، یک
رسم و سنت بود. (یادش به خیر؛ په قدر زود گذشت...!)
(**ترادیشن** = **تراشیدن**)

رمز

اڑ توجھے شما:



«زکات علم، آموزش آن به دیگران است.»

زکات علمتان را پردازید...



الری جنان کن سراجام کار
تو خشنود بائی و ما رستگار